



سخنرانی دکتر رنگین دادفر سپینتا در دوازدهمین دور کنفرانس امنیتی هرات

صبح به خیر، خانم‌ها و آقایان،

ما، به عنوان دیاسپورای افغان، بخشی از دارایی‌های عزیزمان را به عنوان افرادی که به اجبار از میهن تبعید شده‌ایم با خود حمل کرده‌ایم. افتخار می‌کنیم که کنفرانس امنیتی هرات را از شهر تاریخی هرات به دوشنبه و از آنجا به مادرید آورده‌ایم؛ این موفقیت به لطف دکتر مرادیان و تیم ارزشمند ایشان ممکن گردید. از دوست عزیزم، مرادیان، که در این شرایط دشوار فرصت‌های جهانی برای مبارزه و تلاش ما فراهم کرده است، صمیمانه سپاسگزاری می‌کنم.

تبعید همواره با حس عمیق اندوه همراه است. کسانی که به زور از میهن جدا شده‌اند، اغلب در خلوت خود به گذشته می‌اندیشند. آنان ناچارند جدایی غیرارادی از میهنی که به آن دل بسته بودند و برای بهبود زندگی مردمش مبارزه کرده بودند را تجربه کنند. ماهیت غیرارادی این جدایی از میهن و خاکی که در آن ریشه داشته‌اند، جنبه عاطفی و دردناکی به تجربه‌شان می‌بخشد؛ همانگونه که شن‌های بیابان در معرض تغییرات نامطلوب باد قرار دارند و ممکن است به اعماق تنهایی یا وضعیتی بی‌مکان منجر شوند.

با وجود تاسیس میهنی نو، آینده یک تبعیدی تنها در مکانی که از آن سرچشمه گرفته است، نه در مکان فعلی، رقم می‌خورد.

مهمانان گرامی،

ما آگاهیم که در خصوص بهترین روش پیشبرد آرمان‌های صلح، دیدگاه‌های متضادی وجود دارد و به نظرات تمامی افراد درگیر احترام قائلم. همواره حمایت خود از گفتگوی صلح‌آمیز با طالبان را اعلام کرده‌ایم؛ موضعی که توسط بسیاری از اعضای جامعه ما، از جمله سیاستمداران، جنبش‌های مدنی و سازمان‌های حقوق زنان نیز تکرار شده است. با این وجود، تاکنون هیچ بازخوردی از جانب طالبان دریافت نکرده‌ایم.

مردم افغانستان و جامعه بین‌المللی آرزوی مشترکی برای ثبات و صلح در افغانستان دارند. در حالی که منافع مشترک مشهود است، ضروری است تغییرات در دینامیک قدرت جهانی و چشم‌انداز ژئوپولیتیکی قرن بیست و یکم را نیز مد نظر قرار دهیم؛ تغییراتی که اولویت‌ها و سیاست‌ها را در سراسر جهان دگرگون کرده‌اند. برای مردم افغانستان، نگرانی اصلی همچنان نجات میهن از رژیم ستمگر طالبان است. لازم است اذعان کنیم که جنبش‌های ضد طالبان در داخل کشور، به دلیل فقدان جایگزین سیاسی منسجم و فراگیر با اهداف مشخصی نظیر دموکراسی، حاکمیت قانون و عدالت اجتماعی، با چالش‌های جدی مواجه‌اند.

افزون بر این، باید در نظر داشت که جامعه بین‌المللی و کشورهای منطقه و همسایگان هنوز سیاست متحدانه‌ای نسبت به افغانستان اتخاذ نکرده‌اند؛ رقابت‌های ژئوپولیتیکی و تفاوت‌های ایدئولوژیک منجر به ظهور دو نیروی مخالف در رابطه با افغانستان شده‌اند.

رقابت میان جامعه جهانی و کشورهای منطقه و همسایگان می‌تواند دستیابی به صلح در افغانستان را به‌طور فزاینده‌ای دشوار سازد. از این رو، شاید لازم باشد مبارزات سیاسی و مدنی خود را در سیاست خارجی متمرکز کرده و بر هدایت سیاست‌های جهانی برای همکاری و همسویی در مسائل افغانستان تأکید نماییم.



طالبان، با برقراری شبکه‌های گسترده با کشورهای خارجی، هر گونه ایجاد سلطه انحصاری یا کامل بر آن‌ها را توسط هیچ قدرت یا کشوری دشوار ساخته است؛ امری که حتی از دست دادن این وضعیت توسط پاکستان، که پیش‌تر یکی از حامیان اصلی طالبان به‌شمار می‌آمد، آن را ثابت می‌سازد.

بحران جاری، در کنار فعالیت‌های گروه‌های تروریستی بین‌المللی در افغانستان، به افزایش بی‌ثباتی و تنش در منطقه دامن زده و این بحران ناگزیر عمیق‌تر خواهد شد. تاریخ نشان داده است که بهره‌برداری از چنین بحرانی به‌عنوان وسیله‌ای برای اعمال نفوذ و تسلط، تلاشی است که جدانشدنی با پیامدهای آن درهم تنیده می‌شود؛ این امر در تمامی سیاست‌های مصالحه‌آمیز صدق می‌کند.

در چارچوب سیاست داخلی، سازماندهی سیاسی میان نیروهایی که از دموکراسی و عدالت حمایت می‌کنند، امری حیاتی است. رواج گروه‌های سیاسی پراکنده و فقدان یک دستور کار ملی متحد، به نتایج بی‌ثمر منجر شده است. تجربه مردم افغانستان پس از خروج اتحاد جماهیر شوروی و واگذاری قدرت به طالبان در ۱۵ اگوست ۲۰۲۱ نشان می‌دهد که دستیابی به اهداف آزادی‌بخش ممکن است مستلزم وجود سازمانی دموکراتیک متحد و منسجم باشد.

بحران کنونی کشور، با حاکمیت استبدادی طالبان، اهمیت تلاش برای مقاومت متحد و هماهنگ در بخش‌های مختلف جامعه را نمایان می‌سازد. این مقاومت می‌تواند به عنوان یک جنبش آزادی‌بخش تلقی شود. پیشنهاد می‌شود که برای اثربخشی جنبش‌های آزادی‌بخش، لازم است دارای برنامه‌های سیاسی مشخص، ساختارهای سازمانی منسجم و روش‌های مبارزه‌ای باشند که با روابط قدرت سیاسی و نظامی غالب همسو گردند.

ضروری است اذعان کنیم که ایجاد چنین وحدت و همسویی برای دستیابی به پیروزی و ارائه جایگزینی قانع‌کننده به قدرت غالب، امری ضروری است. این همسویی مستلزم توانمندی نیروها برای ایستادگی در برابر فشارها و دفاع با افتخار از میراث و تجربیات مثبت مبارزات مردمشان می‌باشد؛ مردمی که باید به آن‌ها اعتماد نمود.

واضح است که تنها نیروی سیاسی ملموسی که بتواند به واقعیتی غیرقابل انکار دست یابد، قادر است توجه مردم افغانستان و جامعه بین‌المللی را جلب کند.

بنابراین پیشنهاد می‌شود «مجمع ملی مردمی افغانستان» به‌طور قاطع و مشخص تأسیس گردد؛ مجمعی که شامل مردان و زنان و تمامی نیروهای سیاسی و اجتماعی باشد که به استقلال، آزادی و یکپارچگی افغانستان باور دارند. جبهه متحد از این دست می‌تواند برای افغانستانی بدون آفات تروریسم، افراط‌گرایی، تبعیض، بی‌سوادی و خصومت نسبت به پیشرفت تلاش کرده و این اهداف را به‌طور عملی محقق سازد.

تشکیل یک ائتلاف قوی و فراگیر در چارچوب یک سازمان سیاسی در سراسر کشور می‌تواند راهگشای مسیر باشد؛ چنان ائتلافی می‌تواند به تسهیل تشکیل دولت موقتی که از سوی این جمع و جامعه جهانی تأیید شده باشد، منجر گردد.

بنابراین ضروری است که هم صلح و هم مقاومت را همزمان دنبال کنیم؛ چرا که به‌طور گسترده پذیرفته شده است که جنگ آخرین راه حل است و مبارزه صلح‌آمیز برای اهداف والا و جوهر ارزش‌های انسانی از اهمیت ویژه‌ای برخوردار است. با این وجود، باید اذعان کرد که در برخی موارد، درگیری مسلحانه بر جمعیت‌ها تحمیل می‌شود که هیچ راه دیگری برای مقابله با وضعیت موجود ندارند.



مبارزه جاری توسط مردم افغانستان در عرصه‌های مدنی، سیاسی و صلح‌آمیز ادامه دارد و تمامی تلاش‌ها در راستای تحقق این هدف متمرکز شده‌اند. ما از فداکاری‌های بی‌دریغ افراد شجاع و دلیر که میراث مبارزات مردم ما را رقم زده‌اند، عمیقاً سپاسگزاریم و به هرگونه تلاش برای کم‌اهمیت جلوه دادن یا تضعیف این میراث با احترام امتناع می‌کنیم.

دستیابی به اهداف ما وابسته به جایگاه ما در صف مقدم پیشرفت تاریخی است؛ مبارزه تا سپیده‌دم آزادی ادامه خواهد یافت.

متشکرم.